

مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای
سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۹۰
دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۰ - پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۶
صص ۹۴-۷۷

تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی - شهری با تاکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)

ژیلا سجادی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
عیسی ابراهیم‌زاده: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
علی شمس‌الدینی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران*

چکیده

نادیده گرفتن روستاها در فرایند اجرای برنامه‌های توسعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه سبب بروز تفاوت‌ها و دوگانگی‌های چشمگیر اقتصادی و اجتماعی بین جوامع شهری و روستایی گردیده است. محرومیت و فقر ناشی از چنین روندی روستائیان را وادار نموده که جهت بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی و رفاه زندگی خود از روستاها به دیگر کانونهای سکونتگاهی به ویژه شهرها مهاجرت نمایند. این جابجایی‌ها که با انگیزه‌های مختلفی صورت گرفته است در شهرهای کوچک همچون نورآباد توانسته موجبات رضایتمندی مهاجرین را فراهم آورد. این پژوهش با هدف پی‌بردن به علل مهاجرت و چگونگی نقش دسترسی و مسافت (دو مفهوم بنیادی تحلیل مکانی) از شهر نورآباد در این مهاجرت‌ها صورت گرفته است. روش تحقیق تحلیلی و توصیفی می‌باشد و با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه با نگرشی رفتاری-فضایی دنبال شده است. جمع‌آوری اطلاعات با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق علاوه بر اینکه نمایانگر رابطه بین کمبود خدمات به عنوان انگیزه عمده در مهاجرت روستاهای مورد مطالعه می‌باشد بلکه نقش مؤثر فاصله و دسترسی از شهر را در کمبود خدمات روستایی و نتیجتاً مهاجرت محرز می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: روستا، مهاجرت روستایی، فاصله، دسترسی، خدمات، ممسنی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستائیان کشور را می‌توان شاخصی در فقدان نگرشی ناحیه‌ای در فضایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور تلقی نمود. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها، از یک سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی- معیشتی مختلف در شهرها گردیده و از سوی دیگر محرومیت و فقر مناطق روستایی را به دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده و آنها را به قطب‌های جاذب و دفع جمعیتی تبدیل نموده است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۳۴). بنحویکه تلقی روستاها به عنوان کانون‌های ناامن و محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی؛ منجر به تشدید انگیزه‌های مهاجرتی در روستائیان به امید برخورداری از حداقل امکانات در شهرها حتی در شهرهای کوچک و روستا - شهرهایی که از زمان کسب هویت شهری شدن آنها چندی نمی‌گذرد، شده است.

بنابراین مهاجرت تحت عنوان یک فرایند می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی - بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی داشته باشد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۹۳). و خانوارهای روستائی به دنبال کاهش و یا افزایش درآمد خویش به تبعیت از وابستگی اقتصادی و سیاسی روستا به شهر و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی موجود در شهرها به همراه برخورداری و استفاده سریع‌تر از این تسهیلات رفاهی- معیشتی با توجه به دوری و نزدیکی روستاها به مراکز شهری به سوی این

کانون‌ها مهاجرت کرده و عموماً با دست‌یابی به رفاه اجتماعی نسبی برای همیشه در این سکونتگاه‌ها ماندگار می‌شوند. پس؛ در پی گسترش ارتباطات روستا- شهری و افزایش تماس میان ساکنین این دو کانون سکونتگاهی، روستائیان با نیازهای جدید روبه‌رو می‌شوند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲)، که این نیازهای اجتماعی- اقتصادی در اغلب موارد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌گردد. از اینرو گونه‌ای از عدم تعادل و برابری میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود که در آن روستائیان در راستای برآوردن نیازمندی‌های معیشتی - رفاهی خود به شهرها مهاجرت می‌کنند (قاسمی‌اردهائی، ۱۳۸۵: ۵۷).

شدت این چنین روستاگریزی و فرار از محرومیت را به روشنی از افزایش تعداد نقاط روستائی که از نرخ رشد منفی جمعیت برخوردار بوده‌اند، می‌توان استنباط نمود. افزایش تعداد استان‌های کشور که با نرخ رشد منفی جمعیت نقاط روستائی روبه‌رو بوده‌اند از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵ مؤید این ادعا می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۸۵- ۱۳۷۵). همچنین میانگین ۹۷- درصد و دامنه تغییرات از (۲- تا ۲/۷۸- درصد) نرخ رشد جمعیت این استان‌ها تردیدی در شدت روستاگریزی ساکنین مناطق روستایی در کشور برجای نمی‌گذارد. که این مهم می‌بایست از جمله نگرانی‌های بسیار جدی - حتی در صورت تأکید بر اهمیت شهرنشینی در امر توسعه - برای برنامه‌ریزان و مدیران کشور تلقی گردد.

از مهم‌ترین پیامدهای فرایند روستاگریزی در سطوح متفاوت محلی، ناحیه‌ای و ملی افزایش جمعیت شهرها، گسترش فرایند شهرنشینی و ظهور شهرهای چند میلیونی در کشور بدون توجه به سازوکارهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و همچنین

کشاورزی در روستاها گردیده بلکه به دلیل انتقال باروری این گروه به شهرها سبب رو به سالخوردگی نیروی کار در بخش کشاورزی بعنوان مانعی در راستای توسعه در روستاها نیز شده است.

در این راستا؛ افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۹/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و بالطبع کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ نشانگر نرخ بالای مهاجرت روستا ف شهری در نظام سکونتگاهی کشور است. (جدول شماره ۱).

توجه به ظرفیتهای، توانمندیها و مجموعه زیرساختهای خدماتی رفاهی موجود در شهرها می‌باشد. که این مهاجرت بی‌رویه روستا- شهری علاوه بر ازهم گسیختگی شبکه شهری سبب‌ساز بروز بحران‌های اشتغال، بیکاری، کمبود امکانات، ازدحام، آلودگی‌های محیطی، آلودگی‌های فقر، محرومیت و بروز انواع کجرویها و ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی در بسیاری از شهرهای کشور شده است. همچنین روند تخلیه جمعیت به ویژه در گروه سنی جوان و فعال نه تنها سبب کاهش نیروی انسانی لازم جهت فعالیت

جدول شماره ۱- جمعیت کل شهری، درصد، نرخ رشد و تعداد شهرها در هفت دوره سرشماری (۸۵-۱۳۳۵)

ردیف	سال	جمعیت کل	شهری	درصد	نرخ رشد	روستایی	درصد	نرخ رشد
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۵۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۶	-
۲	۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۴/۹۴	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۱	-۶/۶
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۵/۰۲	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳	-۹
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۹۱	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵/۷	-۷/۲
۵	۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۰۰۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۷	۳/۳۹	۲۴۹۷۲۶۶۰	۴۳	-۲/۴
۶	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۲/۹۴	۲۳۲۳۷۴۸۸	۳۸/۷	-۴/۷
۷	۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷۴	۲۱۰۴۴۱۱۶	۳۰/۴	

مأخذ: استخراج از داده‌های آماری سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۸۵-۱۳۳۵

فردی و خانوادگی روستائیان به سمت شهرها و افزایش نرخ رشد جمعیت شهرهای کشور شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تا سال ۱۳۷۰ ه.ش به دلیل بروز جنگ تحمیلی و تخریب بسیاری از روستاهای غرب کشور، سیاستهای حمایتی و تشویقی دولت در ارائه زمین شهری و تسهیلات آموزشی ف بهداشتی به متقاضیان زندگی در شهرها، افزایش مولید و جمعیت در روستاها و بالطبع بالارفتن نرخ بیکاری و فقر، وقوع خشکسالی و دیگر مخاطرات محیطی؛ به همراه افزایش ارتباطات روستا ف شهری و نتیجتاً افزایش آگاهی روستانشینان از مزایای زندگی شهری که با تجمع امکانات اجتماعی اقتصادی و رفاهی -

آن گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود طی دهه‌های اخیر به ویژه از زمان اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) تا سال ۱۳۶۵ هجری شمسی با سیر صعودی افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی در کشور روبه‌رو بوده‌ایم. که این افزایش در زمان قبل از انقلاب معلول سیاستهای کلان سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت کشور در چارچوب شهرگرایی و صنعتی- نمودن کشور به همراه آزاد شدن نیروهای مردمی روستایی از قالب «نظام ارباب فرعی»؛ توأم با افزایش بیکاری‌ها، فقر، محرومیت و نداشتن زمین جهت کشت برای بسیاری از روستانشینان؛ خود عاملی مهم جهت فراهم آوردن زمینه مهاجرت‌های

شهر نورآباد (مرکز شهرستان) را به عنوان قطب جاذب این جمعیت فراهم آورده است. بطوریکه جمعیت آن با متوسط نرخ رشدی برابر با ۸/۱۹ درصد از ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۱۶۶۸ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش داشته است.

در حقیقت نادیده گرفتن روستاها در برنامه‌های توسعه و به تبع آن کمبود خدمات و امکانات و همچنین فقدان سلسله‌مراتب منظم سکونتگاهی که تسهیل‌گر امر خدمات‌رسانی به روستاها می‌باشد پیامدی جز محرومیت، عدم امنیت اقتصادی - اجتماعی و نتیجتاً روستاگریزی نداشته و بدیهی است که در چنین شرایطی روستاهایی که با فاصله بیشتری از مراکز شهری قرار دارند و از دسترسی مناسبتری نیز برخوردار نمی‌باشند، تنها راه احساس امنیت را در مهاجرت به شهرها می‌دانند. این در حالی است که اکثریت این مهاجرین به تبع پایگاه اجتماعی و اقتصادی خود در زمره محرومترین اقشار شهری تلقی می‌شوند. از اینرو مقاله حاضر با هدف پی‌بردن به نقش فاصله و دسترسی به خدمات شهری در افزایش مهاجرت‌های روستائی در محدوده شهرستان ممسنی انجام گرفته است.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر به یکی از مشکلات مهم در نقاط روستایی و شهری تبدیل شده است، چرا که عواقب جبران‌ناپذیر از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به دنبال دارد. بطوریکه امروزه اکثر صاحب‌نظران پاسخ مشکلات مربوط به خالی شدن روستاها از جمعیت‌های انسانی فعال و به تبع آن سالخورده‌گی و زنا‌شدن نیروی کار و رکود در اقتصاد کشاورزی کشور (رضانیان، ۱۳۸۰)؛ و

معیشتی در این کانونها همراه بود؛ خود عاملی مهم در گسترش جریانات مهاجرتی روستائیان به سمت شهرها و بالارفتن جمعیت شهرهای کشور طی دهه اول بعد از انقلاب گردید.

این افزایش صعودی نرخ رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۸۵-۷۵ با سطحی نازل‌تر از روندهای پیشین، (علیرغم افزایش تعداد شهرهای کشور از ۶۱۲ کانون جمعیتی در سال ۷۵ به ۱۰۱۳ کانون در سال ۱۳۸۵) به نرخ ۲/۷ تنزل یافته است. این چنین کاهش را می‌توان بیشتر معلول اجرای برنامه‌های کنترل موالید و پایین آمدن نرخ زادوولد جمعیت در مراکز شهری و روستایی کشور، اجرای سیاستهای حمایتی دولت در قالب برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت اجتماعی - اقتصادی و کالبدی در روستاها و بالطبع ایجاد ثبات نسبی در شرایط زندگی روستائیان کشور، به همراه تغییر در تفکر مردم همگام با سخت شدن شرایط زندگی در شهرها دانست.

الگوی مشابه وضعیت مهاجرفرستی و گسترش جمعیت شهری در بالا؛ در سطوح پایین‌تر از سطح ملی نیز یافت می‌شود. مهاجرت‌های فردی و خانوادگی روستائیان شهرستان نورآباد ممسنی نمونه بارزی جهت این ادعا است. بطوریکه در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۳۵ روستائی که مبدأ مهاجرت جامعه مورد پرسشگری این تحقیق بوده‌اند؛ ۲۷ روستا (۷۷ درصد) دارای نرخ رشد منفی با دامنه تغییرات بین ۰/۷- الی ۷/۳۹- درصد بوده‌اند. همچنین از تعداد ۸ روستائی که دارای نرخ رشد مثبت بوده‌اند، فقط روستای «آهنگری» بدلیل مرکزیت دهستان از نرخ نسبتاً بالایی (۶/۳) برخوردار بوده و مابقی نرخ رشدی بین ۱/۳/ الی ۰/۷ درصد داشته‌اند. از این‌رو تداوم مهاجرفرستی شدید روستاهای این شهرستان موجبات افزایش جمعیت

نزدیکی به مراکز شهری جمعیتی را نیز به خود جذب کرده و به دلیل داشتن جمعیت نسبتاً زیاد امکانات دیگری نیز به این مناطق داده می‌شود. در نتیجه روستاهایی که فاصله زیادی از شهر دارند کم‌کم جمعیتشان را بر اثر مهاجرت به شهر در جهت استفاده از این خدمات از دست می‌دهند. پس با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع مهاجرت‌های روستایی بی-برنامه و روند رو به رشد آن به شهرها و خالی شدن جمعیت جوان و فعال نواحی روستایی، هدف از این تحقیق شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان ممسنی و پی‌بردن به چگونگی عوامل فاصله، دسترسی و خدمات در کاهش و یا افزایش این حرکات جمعیتی می‌باشد.

۱-۴ - پیشینه پژوهش

مهاجرت روستاییان به شهر، علل، چرایی و چگونگی انجام آن از موضوعات محوری علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد که در ارتباط با آن دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد که هر کدام از زوایای مختلف به این پدیده نگریسته‌اند. در این زمینه اندیشمندان با طرح مکاتب کارکردگرایی، وابستگی، اقتصاد دوگانه و... (لهسائی زاده: ۱۳۶۸) رویکردهایی همچون جاذبه مقصد - دافعه مبدأ (تودارو، ۱۳۶۷)، محرومیت نسبی (Massey, 1990)، سرمایه انسانی (ارشاد، ۱۳۸۰)، ویژگی‌های شخصی؛ تجربه اقامتی (زنجانی، ۱۳۸۰) و شبکه مهاجرتی (Curran and Rivero-Fuentes, 2003) و... را مهم‌ترین عوامل مؤثر در مهاجرت افراد از روستا به شهر دانسته‌اند.

در این راستا و در کشور مبحث مهاجرت و علل انجام آن به فراوانی مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفته است. آنچه که کمتر بدان پرداخته شده و

همچنین حاشیه‌نشینی و ازدحام بیش از اندازه شهرها و فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری را در افزایش مهاجرت‌های روستایی به دلیل عدم توسعه - یافتگی این کانون‌های زیستی می‌دانند (پیتیه، ۱۳۶۹).

همچنین در زمانیکه فنآوری ارتباطات و اطلاعات منجر به فشردگی زمان و مکان از طریق کاهش تاثیر مسافت فیزیکی در عصر حاضر گردیده است، توجه به این مهم در برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور نیز بیش از هر وقت ضروری بنظر می‌رسد. در این راستا با احداث و توسعه شبکه‌های دسترسی مناسب می‌توان به شبکه‌های سکونتگاهی منظم و کارآی روستایی جهت تسهیل جریان انسان، کالا، اطلاعات، سرمایه، امکانات، خدمات دست یافت و نهایتاً به توسعه روستاها و به تبع آن به نگه‌داشت جمعیتی آنها کمک نمود.

بنابراین مهاجرت هم از بعد مهاجرت‌فرستی و هم مهاجرت‌پذیری شاخصی جهت پی بردن به توسعه - یافتگی و نیافتگی نقاط روستایی است. از این رو بررسی مهاجرت، علل و پیامدهای آن می‌تواند به ارائه راهکارهای مؤثری در توسعه روستایی و حتی شهری بیانجامد.

۱-۳ - اهداف

با توجه به اینکه اکثر روستاها در ایران از امکانات زیستی - رفاهی لازم برای زندگی برخوردار نیستند و همین امر باعث می‌شود روستائینان دست به مهاجرت زده و به مکان‌هایی که دارای امکانات و جاذبه‌های اقتصادی - فرهنگی لازم هستند؛ مهاجرت کنند. در این راستا روستاهایی که در نزدیکی شهرها واقع شده‌اند نه تنها به راحتی می‌توانند از امکانات شهری استفاده کنند، بلکه خود نیز به دلیل عامل

جمع‌آوری شده کتابخانه‌ای و میدانی است. این تحقیق ضمن بررسی دلایل و انگیزه‌هایی که مهاجرین را وادار به ترک زادگاهشان به مقصد نورآباد نموده است، درصد یافتن علل محرومیت‌های مکانی - فضائی که سبب تشدید این مهاجرتها در مبدأ مهاجرین گشته نیز می‌باشد. در این راستا اطلاعات پیرامون مسافت، چگونگی دسترسی و خدمات در مبادی مهاجرین جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

چارچوب مکانی این پژوهش محدوده سیاسی شهرستان ممسنی است و جامعه آماری (N) مورد پرسشگری در این پژوهش شامل سرپرستان خانوارهای ساکن در شهر نورآباد است (۱۱۰۰۰ خانوار). جهت برآوردی واقع بینانه از حجم خانوارهای نمونه (n) ابتدا به انتخاب نمونه‌های راهنما (Pilot Sample) جهت تعیین صفت آماری (p و q) مبادرت گردید. پراکندگی صفت مورد مطالعه در این تحقیق عدم تمایل به بازگشت به روستا به علت جاذبه زندگی در شهر در نظر گرفته شده است. پس از تعیین درصد (p ۸۰ در صد) و (q ۲۰ در صد) با $t=1/7$ از طریق فرمول کوکران تعداد ۷۰ خانوار نمونه برآورد گردید. سپس از خانوارهای مهاجر ساکن در محلات مختلف مهاجرپذیر شهر نورآباد با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسش بعمل آمده است.

۷-۱- قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه شهرستان ممسنی به مرکزیت شهر نورآباد از توابع استان فارس می‌باشد که در سال ۱۳۸۵ دارای ۴ بخش، ۱۳ دهستان، ۲ کانون شهری، ۶۱۴ آبادی سکونتگاهی با ۱۶۲۶۹۴ نفر جمعیت و ۳۵۱۴۵ خانوار) است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). (شکل شماره ۱).

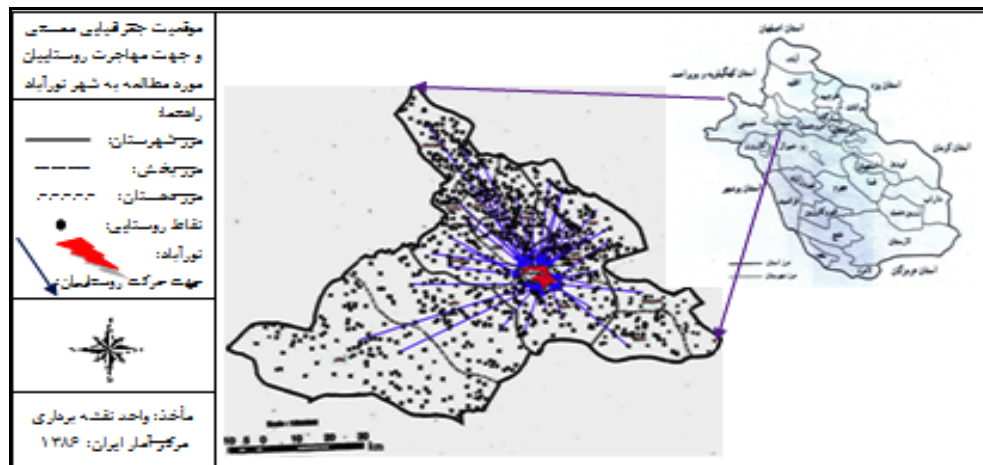
موضوع این پژوهش نیز می‌باشد تأثیرگذاری عوامل مکانی «مسافت» و «دسترسی» دو مفهوم بنیادی زوال فاصله در چرایی و چگونگی مهاجرت افراد از روستا به شهر است. گرچه در مطالعات ناحیه‌ای و پژوهش‌های دانشگاهی مربوط به شبکه شهرنشینی (فرید: ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ ...) و روابط و پیوندهای روستایی - شهری (یوسفی: ۱۳۸۶، شفیع‌ثابت: ۱۳۸۷، قادرمزی: ۱۳۸۸ ...) تا حدودی به این موضوع اشاره شده است؛ ولی باز هم مهاجرت و حرکات جمعیتی «فصلی» حاشیه‌ای در این تحقیقات بوده است.

۵-۱- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

- علل اصلی مهاجرت به شهر نورآباد در نواحی روستایی شهرستان ممسنی چیست؟
- آیا بین مهاجرت روستاییان مورد مطالعه به نورآباد و عوامل مکانی فاصله و دسترسی به شهر رابطه‌ای وجود دارد؟
- کمبود خدمات غالب‌ترین انگیزه مهاجرین نمونه به شهر نورآباد بوده است.
- بین محرومیت خدماتی روستاهای مبدأ با فاصله و دسترسی آنها از شهر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۶-۱- روش تحقیق

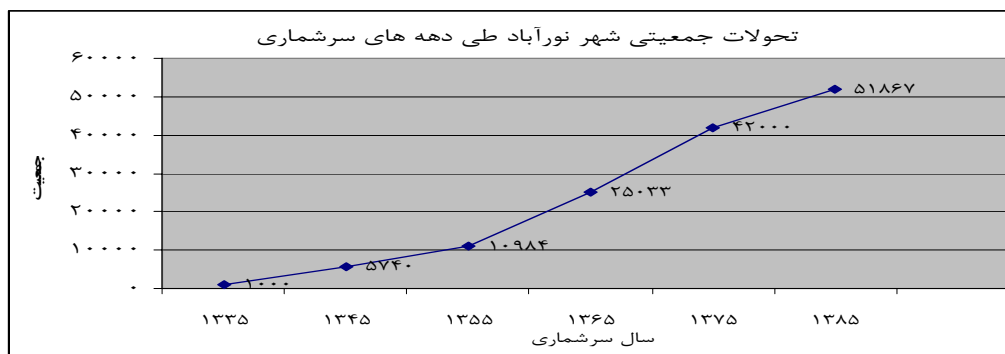
این تحقیق با توجه به ماهیت موضوعی آن با نگرشی رفتاری - فضائی با هدف پی‌بردن به علل مهاجرت‌های روستائی در محدوده شهرستان ممسنی و چگونگی نقش مسافت و دسترسی از شهر نورآباد در این مهاجرتها دنبال شده است. در این پژوهش که تحقیقی بنیادی - کاربردی می‌باشد، روش مطالعه در آن از نوع توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اطلاعات



شکل شماره ۱- نقشه موقعیت روستاهای مورد مطالعه و جهت مهاجرت آنها به شهر نورآباد

یابد (شکل شماره ۲). که این روند بیشتر به دلیل دارا بودن مرکزیت شهرستان، و اینکه نورآباد به عنوان کانون سکونتگاهی مرکزی با واقع شدن در نقطه گره- گاهی ارتباطی ممسنی، ضمن تجمع امکانات، خدمات و تسهیلات رفاهی - معیشتی نیازهای ساکنین خود و روستاهای پیرامونی خویش را برآورده نموده است. از اینرو نورآباد توانسته با تکیه بر عملکردهای شهری زمینه‌های جذب روستاییان منطقه را چه بصورت اختیاری و چه اجباری به درون شهر مهیا سازد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۶۶). از سوی دیگر افزایش نرخ رشد ۴/۱۳ درصدی جمعیت شهر نورآباد طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۱ گویای نقش مهاجرپذیری آن در ایجاد تغییرات و نوسانات جمعیتی شهر می‌باشد. (جدول شماره ۲).

شهر نورآباد در سال ۱۳۳۵ با ۱۰۰۰ نفر سکنه «روستایی» بیش نبوده و در سال ۱۳۴۱ با ۵۷۴۰ نفر جمعیت و با ادغام ۲۰ روستا و کسب هویت شهری تنها ۶ درصد از جمعیت شهرستان را به خود اختصاص می‌داده است. این میزان در سال ۱۳۵۵ با ۱۰۹۸۴ نفر جمعیت و با رشدی کند به ۸ درصد افزایش یافت. رشد شتابان مهاجرت روستاییان طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ باعث گردید که نورآباد ۲۵۰۳۳ نفر (۱۴/۵ درصد) از جمعیت شهرستان را به خود جذب کند. با تداوم این روند در سالهای ۷۵-۱۳۶۵ میزان جمعیت شهر به ۴۲۰۰۰ نفر و ۲۶ درصد از جمعیت شهرستان ممسنی می‌رسد (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶: ۲۱۴). در سال ۱۳۸۵ نورآباد با افزایش جمعیت نسبت به سال ۱۳۷۵ به ۵۱۶۶۸ نفر سکنه و ۳۱/۷ درصد از جمعیت شهرستان دست می‌



شکل شماره ۲- نمودار روند تغییرات جمعیت شهر نورآباد طی دهه‌های مختلف سرشماری ۸۵-۱۳۳۵

جدول شماره ۲- جمعیت کل شهری، درصد و نرخ رشد شهر نورآباد در پنج دوره سرشماری (۸۵-۱۳۴۱)

سال	جمعیت شهرستان	جمعیت نورآباد	درصد به کل	نرخ رشد
۱۳۴۱	۹۵۶۶۱	۵۷۴۰	۶	-
۱۳۵۵	۱۳۷۹۷۴	۱۰۹۸۴	۸	۴/۷۸
۱۳۶۵	۱۷۲۱۲۹	۲۵۰۳۳	۱۴/۵	۸/۳۹
۱۳۷۵	۱۶۱۲۴۳	۴۲۰۰۰	۲۶	۵/۴۳
۱۳۸۵	۱۶۲۶۹۴	۵۱۶۶۸	۳۱/۷	۲/۰۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های سرشماری نفوس و مسکن شهرستان ممسنی، (۸۵-۱۳۴۱)

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۱-۲- مهاجرت‌های روستایی و دستیابی به رفاه

اجتماعی

رهایی از فقر، نابرابری و به دست آوردن شرایط معیشتی بهتر برای زیست؛ از جمله آرمان‌های بشر به منظور ادامه حیات در عرصه‌ی فضایی هر سکونتگاهی است. از این رو برقراری رفاه اجتماعی و توسعه در هر مکانی مستلزم تحقق امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش امید به آینده در مردم و تأمین معاش و حفظ هویت آحاد جامعه است (قاسمیان، ۱۳۸۴: ۳۳۳). در دهه‌های اخیر عقب‌ماندگی مناطق روستایی کشورهای جهان سوم نسبت به دیگر مناطق سکونتگاهی بیشتر عیان گردیده، که بعضاً این تفاوتها و نابرابریهای درآمدی و شغلی به عنوان دافعه در محیط‌های روستایی (تودارو، ۱۳۶۶) به همراه وجود فرصتهای شغلی، خدمات، فضای عملکردی آزاد و دیگر عوامل جاذبه در محیطهای شهری منجر به مهاجرت روستائیان به سمت این مراکز شده است. بنابراین عدم برخورداری روستائیان از امکانات مورد نیاز آنان برای ایجاد رفاه و فراهم آوردن شرایط زیست - معیشت پایدار در روستاها موجب گسترش فقر، نابرابری شهر و روستا و افزایش شکاف اقتصادی - اجتماعی میان این دو کانون سکونتگاهی می‌گردد؛

که نهایتاً این روند سبب مهاجرت روستائیان به سمت شهرها می‌شود.

بدین ترتیب؛ بر پایه نظریه محرومیت نسبی خانوارها در جهت رفاه، خشنودی، افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی خود در مقایسه با دیگر خانوارهای اجتماع (کازمی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۰ به نقل از مِسی، ۱۹۹۰)، و همچنین با شناخت از شرایط زندگی از جنبه‌های معیشتی - رفاهی و اقتصادی - اجتماعی در مکانهای سکونتگاهی مختلف و مقایسه این شرایط زیست در مقصد با مبدأ سکونت خود تحت تأثیر جاذبه‌های شهر و دافعه‌های روستا دست به مهاجرت می‌زنند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۴).

مطالب فوق به نحوی علل مهاجرت را بیشتر در عوامل جاذبه شهری و شکاف درآمدی بین شهر و روستا بیان می‌کند. اما روستاها بعنوان اولین جامعه‌ی پابرجای انسانی باید برای رسیدن به توسعه از زندگی سنتی خود به زندگی مدرن وارد شوند. زیرا سیاستهایی که امکان تحرک بیشتری را برای جمعیت می‌پذیرد، با سیاست ارتقاء زندگی توده مردم هماهنگی بیشتری دارد (اسکلدون، ۱۳۷۶: ۱۱). چه بسا اکثر کسانی که عموماً در کشورهای در حال توسعه به شهرها مهاجرت می‌کنند، در بنیان‌های

است که: جریان مهاجرت بین شهرها مستقیماً به اندازه شهرهای مورد نظر و به نسبت معکوس با فاصله جدایی آنها از هم ارتباط دارند (Bastile and Dezert, 1980: 68-69) طبق این مدل، جاذبه سکونتگاههای مشابه بستگی به اندازه جمعیت، امکانات و فاصله این مراکز از سایر سکونتگاهها دارد (Bertuglia and Wilson, 1994: 23-24). این تئوری شدت حرکت و رفت و آمد انسانها به سمت مراکز جمعیتی را با فاصله و دسترسی آنها به شهرها مورد توجه قرار می‌دهد (پرهیزگار، ۱۳۷۷: ۱۲۰)، بنحویکه هر چه کانونهای سکونتی دارای مرکزیت خدماتی برتر و فاصله کمتری نسبت به دیگر سکونتگاههای پیرامون خویش باشند دارای جاذبه بیشتری هستند (فرید، ۱۳۷۹: ۳۴۳-۳۴۲).

تئوری دیگر حلقه‌های متحدالمرکز است؛ که در آن فون‌تونن تلاش نمود تا چگونگی و چرایی تفاوت در کاربری اراضی کشاورزی را با مسافت آنها از بازار تبیین نماید (رضوانی، ۱۳۸۰: ۹۸). وی در نظر خود به یک سری دوایر متحدالمرکز اشاره می‌کند و روابط شهر با حوزه نفوذ خود را در درون این دوایر بر اساس نوع استفاده از اراضی اطراف تفسیر نمود (فرید، ۱۳۸۲: ۵۰۴). این دیدگاه هزینه‌های حمل‌ونقل و عامل فاصله به همراه میزان دسترسی کشاورزان به مرکز تجاری شهر را از عوامل تعیین‌کننده ارتباط شهر با روستاهای پیرامون می‌داند (Timothy, 2000: 12). نهایتاً در این تئوری؛ فاصله اراضی از مرکز شهر به همراه راه دسترسی تعیین‌کننده نوع تولیدات زراعی و میزان رابطه و مراودات افراد با شهر است (شکوئی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

اقتصادی و اجتماعی شهر به واسطه‌ی کارآیی و توانهایی که دارند؛ وارد شده و زندگی نسبتاً بهتر و رضایتمندتری از قبل به دست می‌آورند (اوبرای، ۱۳۷۰: ۱۷-۱۶).

در این مورد آینده شهرها چشم‌انداز روشنتری نسبت به روستا به تصویر می‌کشند. به طوریکه در شهر فرد می‌تواند از دستفروشی شروع کند و همین‌طور پیش برود، اما در روستا عموماً همان زارع باقی می‌ماند. و شهرها با ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که دارند؛ محل تغییر و رشد هستند (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۴). در این زمینه نیز تحقیقات حاکی از وجود رابطه معنادار بین کسب رفاه بیشتر و مهاجرت‌های روستا - شهری است. به عبارتی دیگر مهاجرت پاسخی به سطح متفاوت رفاه در مناطق مختلف می‌باشد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۷).

۲-۲- مهاجرت و تئوری زوال فاصله

فاصله بعنوان شاخصی مطلق و نسبی از جمله عوامل اساسی در تعیین روابط و تعامل بین مکان-هاست (بهورز، ۱۳۷۴: ۱۱۲). تئوری زوال فاصله بر اساس قانون اولیه جغرافیای Tobler استوار است که معتقد بود که هر چیزی بر روی سطح زمین در ارتباط با چیزهای دیگری است. بنابراین اجسامی که نزدیک به هم می‌باشند با یکدیگر بیشتر در ارتباطند (Haggett, 2001, 23). از این رو مهاجرت و جابجایی انسانها از مکانی به مکان دیگر تابع ارتباطات و قوانین خاص خود می‌باشد (همان، ص ۳۷) که برای تحلیل بهتر آن از تئوریها و مدل‌هایی که در ارتباط با نقش فاصله ارائه گردیده است، استفاده می‌شود. در این راستا مدل جاذبه برگرفته از ایده نیوتن بر این اعتقاد

مبادله‌ی نابرابر، تمرکز قدرت، پیشرفت و رشد اقتصادی در مرکز و تسری نوآوری‌های تولیدی از مرکز به پیرامون، موجب حفظ جریان ارزش افزوده از هسته به اطراف و وابستگی هر چه بیشتر پیرامون به مرکز می‌گردد (اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۶-۴۵)، بر این اساس توسعه بواسطه‌ی غلبه روحیه تعقل‌گرایی، نوآوری و تحولات تکنولوژیک در شهر رخ می‌دهد و به سمت پیرامون روستایی جریان می‌یابد (نظری، ۱۳۸۰: ۶۲). در نهایت این فرایند از آن جهت که رفتارهای خاص اقتصادی را بر اساس مطلق‌جویی جستجو می‌کند منجر به مهاجرت و حرکت روستاییان و جاری شدن هر چه بیشتر سرمایه‌های مادی و معنوی آنها به سمت مراکز بالا دست و شهرها می‌شود (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- علل مهاجرت روستاییان به شهر نورآباد

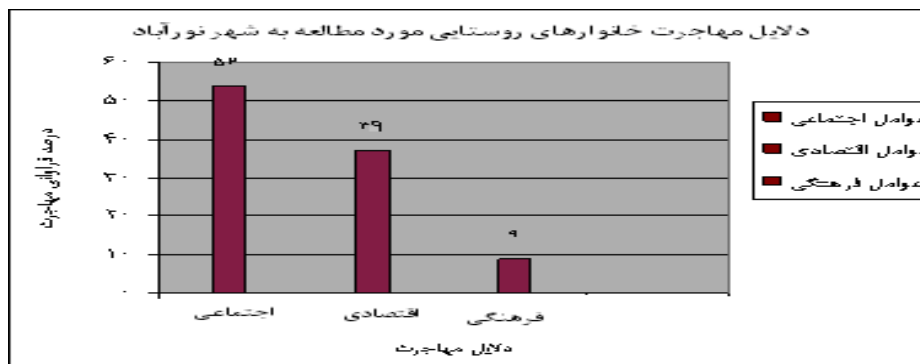
جهت پی‌بردن به دلایل مهاجرت و چگونگی وضعیت زندگی روستائیان بعد از مهاجرت به نورآباد پرسشهایی از خود مهاجرین روستایی ساکن در محلات شهر صورت گرفت. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نشان داد: که بالغ بر ۵۲ درصد از پرسش‌شوندگان دلایل اجتماعی از جمله کمبود خدمات و امکانات آموزشی- بهداشتی در روستای زادگاه خویش و تجمع این تسهیلات در نورآباد را مهم‌ترین عامل مهاجرت خود ذکر کرده‌اند. همچنین ۳۹ درصد از مهاجرین عوامل اقتصادی: به دست آوردن شغل جدید و درآمد مناسب و کمبود زمین زراعی در روستا را دلیل کوچ دانسته‌اند. در نهایت عوامل

از آنجائی که استقرار همه امکانات خدماتی در تمامی سکونتگاه‌ها، نه ضرورت داشته و نه از منطق عقلایی برخوردار است (Rondinelli, 1978: 115)، کریستالر سازمان فضایی خاصی را تهیه کرد که هدف از آن شرح و تبیین نظم موجود سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنها بود. در واقع کریستالر به شبکه‌ای خاص و متشکل؛ از کوچکترین آبادیهای روستایی تا بزرگترین مراکز شهری اعتقاد داشت (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). در این تئوری به واسطه حدود و محدودیت‌های آستانه در هر مکانی کالاها و خدماتی که دارای کمترین رتبه هستند، در مکان‌های بیشتری یافت و عرضه می‌شوند، اما کالاها و خدماتی که بالاترین رتبه را دارند، تنها در نقاط معدودی در دسترس هستند (مشاورین DHV، ۱۳۷۱: ۸۱-۸۰). بر پایه این نظریه؛ نقاطی به عنوان مکان مرکزی، خدمات اداری و تجاری را به حوزه نفوذ خود ارائه می‌دهد و مصرف‌کنندگان نیز برای تأمین نیازهای خود بر حسب فاصله و دسترسی به نزدیکترین کانون مراجعه می‌کنند (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۸۸-۱۷۸). بنابراین مکان مرکزی به نوعی بازگو کننده فاصله، دسترسی و قدرت مراکز جمعیتی در هر سلسله مراتب سکونتگاهی است. به گونه‌ای که هر چه فاصله روستاها از مراکز با رتبه بالا بیشتر باشد قدرت جاذبه و ماندگاری جمعیت افزونتری نسبت به مراکز فرودست را دارد (حسین-زاده دلیر، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۱).

همچنین در تئوری مرکز - پیرامون فریدمن هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام؛ یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد، است (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۲۷-۲۶). بدین ترتیب

فرایند شهرگرایی (شهرنشین شدن) عامل اصلی مهاجرت روستائیان به نورآباد بوده است. (شکل شماره ۳).

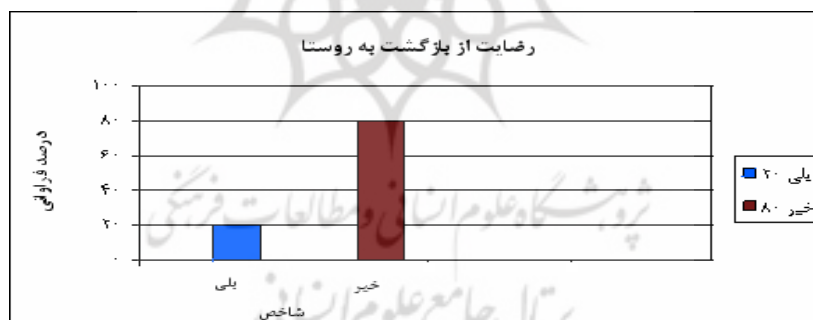
فرهنگی: فشار خانواده و قابل تحمل نبودن سنن فرهنگی روستا (به خصوص برای جوانان) نسبت به دیگر دلایل نقش کم‌رنگ‌تری در مهاجرت داشته‌اند. از اینرو وجود جاذبه‌های شهری (عوامل اجتماعی) و



شکل شماره ۳- نمودار دلایل مهاجرت روستائیان مورد مطالعه به شهر نورآباد

کوچ در پی سکونت در شهر نورآباد نیز تأییدی در اثبات این ادعا و نیز مهاجرپذیری شهر نورآباد می‌باشد. (شکل شماره ۴).

در این راستا؛ عدم تمایل درصد قابل توجهی از پرسش‌شوندگان (۸۰ درصد) - از خانوارهای مهاجرین روستایی- به بازگشت به روستاهای مبدأ



شکل شماره ۴- نمودار درصد تمایل خانوارهای مهاجر به نورآباد در بازگشت به روستا

وضعیت طبیعی آنان بوده است؛ با پرسش از مهاجرین و پی‌بردن به مبادی کوچ آنها جمعیت سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ این روستاها را با مسافت، نوع دسترسی و میزان خدمات (از طریق شاخص مرکزیت) آنها از شهر نورآباد مقایسه نموده‌ایم. (جدول شماره ۳).

۲-۳- نقش مسافت و دسترسی در چگونگی انجام مهاجرت

با توجه به اینکه هدف از این پژوهش تحلیل مکانی از علل مهاجرت روستائیان با تکیه بر متغیرهایی چون فاصله از شهر، دسترسی و میزان خدمات موجود در روستاهای مهاجرفرست و

جدول شماره ۳- مسافت، جمعیت، نرخ رشد، نوع دسترسی، تعداد خدمات (شاخص مرکزیت) و موقعیت طبیعی

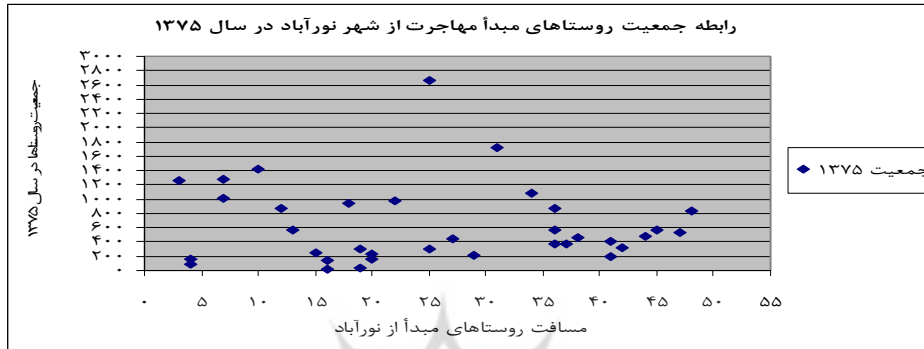
روستاهای مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد	مسافت تا نورآباد km	زمان دسترسی	نوع دسترسی	شاخص مرکزیت	موقعیت طبیعی
۱	آهنگری	۹۷۷	۱۸۱۱	۶/۳۶	۲۲	۳۳	شوسه	۱۹	جلگه‌ای
۲	گوراب	۳۰۳	۲۷۷	-۶/۹	۲۵	۶۰	خاکی	۱۴	جلگه‌ای
۳	جوزار	۵۶۰	۴۲۴	-۲/۷	۳۶	۵۴	شوسه	۳	کوهستانی
۴	پودنگ	۱۵۶	۱۵۴	-۲/۷	۲۰	۳۰	شوسه	۱۰	کوهستانی/جلگه‌ای
۵	حجت آباد	۲۱۴	۱۹۱	-۹	۲۹	۶۹/۶	خاکی	۷	کوهستانی/جلگه‌ای
۶	بابامیدان	۲۶۶۴	۲۸۹۰	۶/۹	۲۵	۲۵	آسفالته	۵۶	جلگه‌ای
۷	مهرنجان	۱۷۲۶	۱۵۴۵	-۹	۳۱	۳۱	آسفالته	۵۵	کوهستانی/جلگه‌ای
۸	علیشاهی	۳۱۸	۲۷۵	-۱/۳۹	۴۲	۱۰۰/۸	خاکی	۴	کوهستانی
۹	فهلپان	۱۴۲۰	۱۲۷۶	-۹	۱۰	۱۰	آسفالته	۱۰۳	جلگه‌ای
۱۰	جویجان	۱۰۸۴	۸۲۳	-۲/۷۲	۳۴	۵۱	شوسه	۳۹	کوهستانی
۱۱	پل فهلپان	۱۲۷۹	۱۲۷۴	-۰/۴	۷	۷	آسفالت	۴۷	جلگه ای
۱۲	آپبخشان	۸۶۶	۷۱۰	-۱/۸۵	۱۲	۱۸	شوسه	۴	کوهستانی
۱۳	شیرمرد	۸۹	۸۷	-۲/۲	۴	۹/۶	خاکی	۴	جلگه‌ای
۱۴	گلگون	۹۴۸	۷۹۷	-۱/۶۲	۱۸	۲۷	شوسه	۱۲	جلگه‌ای
۱۵	کوپن	۵۶۰	۵۶۸	/۱۳	۴۵	۴۵	آسفالت	۱۴	جلگه‌ای
۱۶	نوگگ	۵۴۰	۵۳۲	-۰/۳	۴۷	۷۰/۵	شوسه	۱۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۱۷	برم سیاه	۸۴۰	۹۱۱	/۷	۴۸	۱۱۵/۲	خاکی	۱۴	کوهستانی
۱۸	دهنر	۸۷۶	۹۱۲	/۲۲	۳۶	۵۴	شوسه	۱۶	جلگه‌ای / کوهستانی
۱۹	اسلام آباد	۴۷۰	۳۹۳	-۱/۶۲	۳۸	۹۱/۲	خاکی	۲۳	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۰	جنجان	۲۴۴	۱۹۳	-۲/۳۲	۱۵	۳۶	خاکی	۱۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۱	بجکی	۴۱	۲۰	-۷/۳۹	۱۹	۷۶	مالرو	۲	کوهستانی
۲۲	مراسخون	۳۷۴	۳۸۳	۲/۲	۳۷	۸۸/۸	خاکی	۱۳	جلگ ای
۲۳	دیمه میل	۱۳۶	۱۲۵	-۹	۱۶	۲۴	شوسه	۱۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۴	حیدری	۲۵	۲۲	-۱/۱۵	۱۶	۳۸/۴	خاکی	۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۵	بهلو	۳۰۸	۱۵۴	-۷	۱۹	۴۵/۶	خاکی	۸	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۶	کوسنگان	۴۰۱	۲۸۷	-۳/۴	۴۱	۹۸/۴	خاکی	۸	کوهستانی
۲۷	میشان	۳۶۵	۳۱۷	-۱/۳۹	۳۶	۵۴	شوسه	۱۰	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۸	گچگران	۱۲۶۷	۱۱۵۸	-۷	۳	۳	آسفالت	۵۴	جلگه‌ای
۲۹	کجایی	۱۶۷	۱۸۰	/۷	۴	۹/۶	خاکی	۸	کوهستانی / جلگه‌ای
۳۰	ده گردو	۴۷۲	۳۴۹	-۳	۴۴	۱۰۵/۶	خاکی	۱۲	کوهستانی
۳۱	چم گل	۵۷۴	۵۸۷	/۲	۱۳	۱۹/۵	شوسه	۲۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۳۲	تل گر	۴۴۱	۳۶۵	-۱/۸۵	۲۷	۶۴/۸	خاکی	۲۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۳۳	تنگ سا	۲۳۴	۱۹۴	-۱/۸۵	۲۰	۳۵	مالرو	۷	کوهستانی
۳۴	بکر علیا	۱۹۲	۱۶۷	-۱/۳۹	۴۱	۹۸/۴	خاکی	۷	کوهستانی / جلگه‌ای
۳۵	باجگاه	۱۰۱۶	۹۶۸	-۵	۷	۷	آسفالت	۲۶	جلگه‌ای
جمع	-	۲۲۱۴۷	۲۱۳۱۹	-	-	-	-	-	-

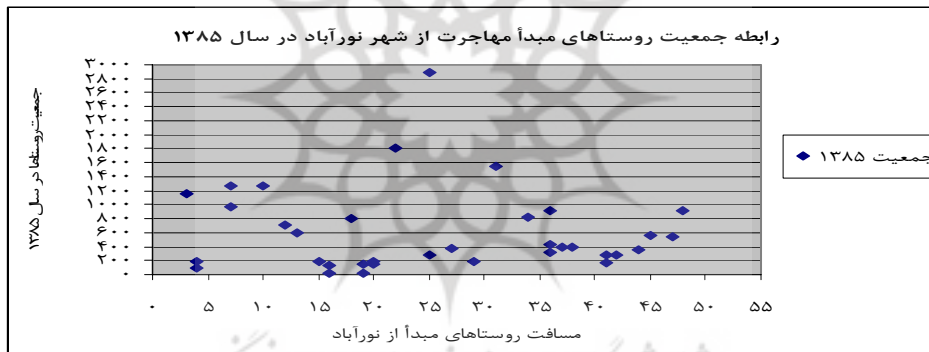
مأخذ: مطالعات میدانی بر پایه: داده‌های مرکز آمار ایران، سالهای ۸۵-۱۳۷۵

روستاهای مبدأ کوچ از نورآباد؛ کمتر از میانگین فاصله (۲۵ کیلومتر) گردد، جمعیت روستاها عموماً بیشتر شده و این رابطه با افزایش میانگین مسافت روستاها از شهر بلعکس و جمعیت روستاها کمتر می‌شود. (شکل های شماره ۵ و ۶).

جهت روشن شدن نقش و اهمیت مسافت از شهر نورآباد در تغییرات جمعیت مبادی مهاجرین، رابطه بین مسافت این روستاها را از نورآباد با جمعیت سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ آنها مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج بیانگر این واقعیت است که هر چه مسافت



شکل شماره ۵- نمودار رابطه جمعیت روستاهای مورد مطالعه با مسافت آنها از نورآباد در سال ۱۳۷۵



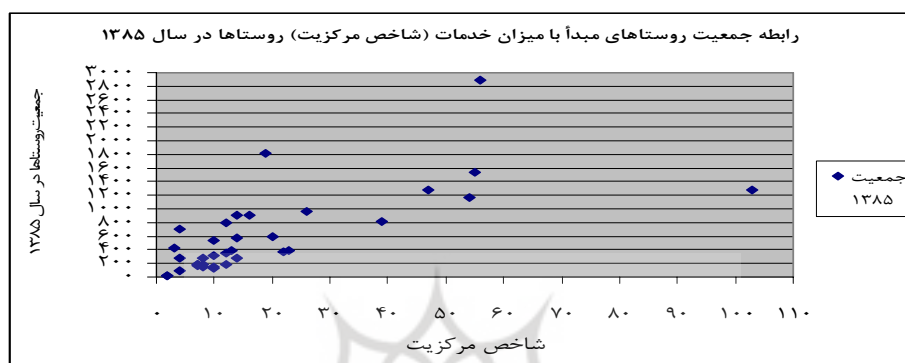
شکل شماره ۶- نمودار رابطه جمعیت روستاهای مورد مطالعه با مسافت آنها از نورآباد در سال ۱۳۸۵

شده است. بر پایه جدول شماره ۳، میانگین شاخص مرکزیت برای تمامی روستاها ۱۹ می‌باشد که دامنه تغییرات آن بین ۲ الی ۱۰۳ است. از این رو از ۳۵ روستای مورد مطالعه؛ ۲۵ روستا زیر میانگین شاخص- مرکزیت و ۱۰ روستا بالای میانگین است که ۸ روستا از این ۱۰ روستا جمعیتی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر داشته‌اند. از آنجائیکه میانگین جمعیت روستاها در سال ۱۳۸۵، ۶۰۹ نفر می‌باشد که تعداد ۲۳ روستای آن زیر میانگین و ۱۲ روستا بالای میانگین جمعیت بوده‌اند.

با توجه به اینکه دلیل عمده مهاجرت روستائیان به نورآباد کمبود خدمات در روستاها ذکر گردیده است، از این رو سعی شد تا به منظور درک بهتر، رابطه بین جمعیت روستاهای مبدأ با میزان خدمات موجود در آنها در سال ۱۳۸۵ و همچنین رابطه بین میزان خدمات با مسافت و نوع دسترسی این روستاها از شهر نورآباد را نیز مورد بررسی قرار دهیم. جهت محاسبه جمعیت بعنوان متغیر مستقل و خدمات (از طریق محاسبه شاخص مرکزیت) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته

برخوردارند؛ از خدمات کمتری بهره‌مند می‌باشند. بنابراین عدم ارائه به موقع خدمات موردنیاز به روستاهای مبدأ باعث کاهش جمعیت آنها از طریق مهاجرفرستی گردیده است. و عکس این موضوع در این رابطه نیز صادق است. (شکل شماره ۷).

می‌توان دریافت: که رابطه بین جمعیت و میزان خدمات این روستاها در سال ۱۳۸۵ رابطه‌ای مستقیم بوده است. به طوریکه روستاهایی که دارای جمعیت بیشتر از میانگین (۶۰۰ نفر) بوده‌اند از خدمات بیشتر و از شاخص مرکزیت بالاتری از میانگین برخوردار بوده و بالعکس روستاهایی که از جمعیت پایین‌تری



شکل شماره ۷- نمودار ارتباط جمعیت با میزان خدمات موجود روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

روستا از راه ارتباطی آسفالتی برخوردار می‌باشد. و از ۱۷ روستایی که پایین‌تر از میانگین مسافت هستند تعداد ۵ روستا دارای راه ارتباطی آسفالت بوده است. از این رو روستاهایی که دارای راه دسترسی مناسب‌تری جهت رفت و آمد به نورآباد هستند اکثراً دارای شاخص مرکزیت بالاتر از میانگین و بالطبع از مسافت کمتری نیز تا شهر نورآباد برخوردار بوده‌اند. (جدول شماره ۴).

با احتساب میانگین مسافت روستاها از نورآباد «۲۵ کیلومتر» و میانگین شاخص مرکزیت «۱۹» و مشخص نمودن نوع دسترسی روستاهای مبدأ به نورآباد، تحلیلها حاکی از وجود رابطه معنادار بین شاخص مرکزیت، مسافت و دسترسی روستاهای مورد مطالعه با شهر می‌باشد.

بطوریکه در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۱۱ روستایی که دارای رتبه بالاتری از نظر خدمات بودند تعداد ۶

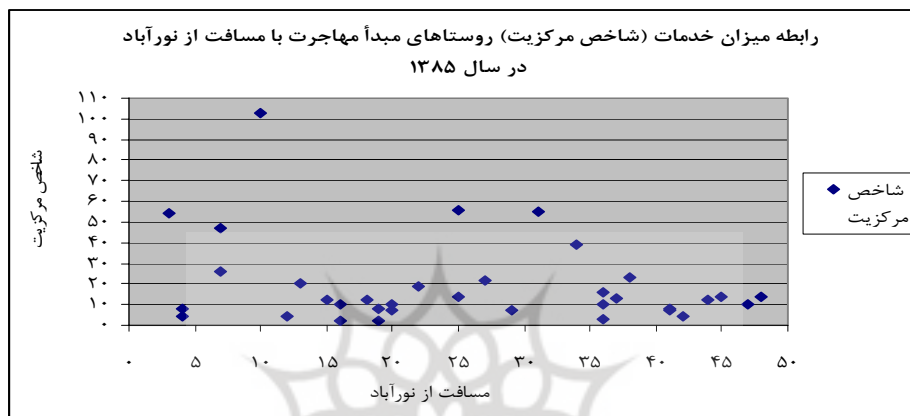
جدول شماره ۴- رابطه راه دسترسی روستاهای مورد مطالعه با میانگین شاخص مرکزیت و مسافت آنها از نورآباد

نوع دسترسی	تعداد روستاها	بالاتر از میانگین مسافت	پایین‌تر از میانگین مسافت	بالاتر از میانگین شاخص مرکزیت	پایین‌تر از میانگین شاخص مرکزیت
آسفالت	۷	۲	۵	۶	۱
شوسه	۱۱	۵	۶	۲	۹
خاکی	۱۴	۹	۵	۲	۱۲
مالرو	۳	۲	۱	۱	۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

روستائیان افزایش یافته است. از اینرو روستاهای نزدیک به نورآباد از جمعیت بیشتر و به تبع آن از خدمات بیشتر برخوردار بوده‌اند. در حالیکه عکس این حالت برای روستاهای بیشتر از ۲۵ کیلومتر فاصله از شهر نیز مصداق دارد. (شکل شماره ۸).

همچنین تحلیلهای آماری حاکی از ارتباط مستقیم بین مسافت و خدمات در تأیید اثر فاصله از شهر نورآباد در ارائه خدمات و امکانات از شهر به روستاها و در نتیجه مهاجرفرستی روستاها دارد. بطوریکه با افزایش مسافت روستاها از شهر از تعداد خدمات آنها کاسته شده و با کاهش خدمات، مهاجرفرستی



شکل شماره ۸- نمودار ارتباط بین میزان خدمات روستاهای مبدأ مهاجرت با مسافت از نورآباد سال ۱۳۸۵

کاهش جمعیت این روستاها را از طریق مهاجرفرستی فراهم آورده است. از سوی دیگر از تعداد ۸ روستایی که دارای نرخ رشد مثبت هستند ۵ روستا دارای راه ارتباطی مناسب می‌باشند. که از این تعداد؛ ۶ روستا دارای موقعیت جلگه‌ای/ کوهستانی است، و ۵ روستا در مسافت کمتر از میانگین به شهر نورآباد واقع شده‌اند. (جدول شماره ۵). در کل می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر مسافت عوامل دیگری مانند وضعیت طبیعی روستاها (کوهستانی و جلگه‌ای بودن) و نوع دسترسی آنها توأمآ در کاهش تعداد خدمات و نتیجتاً در افزایش مهاجرت روستائیان نقش داشته است.

برای پی‌بردن به نقش متغیرهایی چون موقعیت طبیعی، نوع دسترسی و فاصله روستاهای مورد مطالعه از شهر نورآباد در تغییرات جمعیت (از طریق محاسبه نرخ رشد) و تأثیر آن در کاهش یا افزایش مهاجرت، تحلیلهای صورت گرفته نشانگر تأثیر مستقیم متغیرهای مذکور در افزایش و کاهش جمعیت روستاهای مورد مطالعه در نتیجه مهاجرت می‌باشد. بطوریکه از میان ۲۷ روستایی که دارای نرخ رشد منفی بوده‌اند، ۱۴ روستا دارای راه ارتباطی نامناسب است، که از این تعداد ۱۵ روستا دارای موقعیت طبیعی کوهستانی/جلگه‌ای هستند؛ که این عوامل به همراه فاصله بالاتر از میانگین برای ۱۴ روستا موجبات

جدول شماره ۵- رابطه میان نرخ رشد جمعیت روستاهای مبدأ با نوع دسترسی، موقعیت طبیعی و میانگین مسافت روستاها از نورآباد

روستاها نرخ رشد	تعداد	آسفالت	شوسه	خاکی	مالرو	بالا تر از میانگین مسافت	پایین تر از میانگین مسافت	کوهستانی/کوهستانی - جلگه‌ای	جلگه‌ای/ جلگه‌ای- کوهستانی
رشد منفی	۲۷	۵	۸	۱۱	۳	۱۴	۱۳	۱۵	۱۲
رشد مثبت	۸	۲	۳	۳	-	۴	۵	۲	۶

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۷.

۴- نتیجه گیری

تحلیل اطلاعات پژوهش بیانگر این واقعیت است که: مهاجرت خانوارهای نمونه بیشتر در جهت رفع نیازهای اجتماعی همچون کمبود و نبود امکانات معیشتی - رفاهی، تسهیلات و امکانات زندگی در روستاهای مبدأ و در مرحله بعد جهت دستیابی به فرصت کار و اشتغال و به تبع آن درآمدزایی بیشتر به نورآباد صورت گرفته است. همچنین تحلیل مکانی از علل مهاجرت نشانگر تأثیر نقش مسافت و متغیرهای دیگری چون میزان خدمات و نوع دسترسی و وضعیت طبیعی روستاها در مهاجرت آنها می‌باشد. از این رو هر قدر فاصله مبادی مهاجرین از شهر نورآباد بیشتر و دارای موقعیتی کوهستانی و راه دسترسی نامناسب باشند؛ با کاهش میزان خدمات-رسانی و به تبع آن با افزایش مهاجرت و کاهش جمعیت همراه بوده‌اند. و بالعکس هرچه روستاها به شهر نزدیکتر و موقعیت طبیعی جلگه ای و جلگه ای -کوهستانی مساعدتری به همراه دسترسی مناسبتر داشته‌اند، با بالابودن میزان امکانات و بالطبع کاهش مهاجرت و افزایش جمعیت همراه بوده‌اند. در کل می‌توان ادعا نمود که کم‌توجهی و دیر کرد در احداث و توسعه شبکه‌های ارتباطی مناسب در محدوده مورد مطالعه به اهمیت نقش مسافت در محرومیت، عدم برخورداری از امکانات و خدمات و نتیجتاً عدم تمایل ساکنین به ماندگاری در روستاها دامن زده است. این

مهم تردیدی در کاربرد تئوری زوال فاصله در تبیین مهاجرت فرستی محدوده مورد مطالعه و ضرورت توجه به توسعه روستاهای دور دست‌تر از مراکز شهری را بیش از هر وقت دیگر مطرح می‌سازد.

۵- پیشنهادها

- ضرورت برنامه‌ریزی در راستای کاهش عدم تعادل‌های فضایی بین شهر نورآباد و روستاهای شهرستان، به عبارت دیگر ضرورت اتخاذ نگرشی ناحیه‌ای در توسعه روستایی
- تلاش در جهت تقویت و بهبود بنیه اقتصادی - تولیدی روستاهای شهرستان با تکیه بر توانمندیهای محیطی (طبیعی - انسانی) موجود در روستاها در جهت تثبیت جمعیت در این سکونتگاهها
- تأمین نیازهای اساسی و خدمات زیربنایی - معیشتی در نواحی روستایی شهرستان (اعم از روستاهای دور و نزدیک به مراکز شهری)
- توسعه‌ی خدمات بهداشتی - درمانی و آموزشی - فرهنگی موردنیاز در مراکز دهستان‌ها و گسترش آنها در سطح روستاها به نسبت جمعیت آنها
- نظم‌دهی فضایی و ایجاد سلسه‌مراتبی از سکونتگاههای کانونی روستایی در ناحیه با توجه به عامل دسترسی و فاصله به منظور ارائه امکانات مورد نیاز به سکونتگاههای دور دست

شبکه دسترسی و ارتباطی روستاهای اقمار به این مراکز

- تلاش در جهت ادغام روستاهای زیر ۲۰ خانوار به ویژه روستاهایی با موقعیت کوهستانی و مهاجرفرستی بالا در یک کانون جمعیتی با توجه به ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ساکنین هر آبادی

- گسترش، بهبود، مرمت و بازسازی راهها و شبکه ارتباطی مناسب بین مراکز شهری و روستاهای پیرامونی به ویژه روستاهای دور دست
- تجهیز مراکز دهستان‌ها به امکانات و خدمات رفاهی - معیشتی مورد نیاز روستائیان همگام با بهبود

References

- Ajlali, P, (1994) Regional Analysis and Settlements Classification; planning and budget organization, first ed. Tehran
- Arshad, F, (2001), Theoretical Bases for Present Brain Drains of Different Kind; The Institute of Iranian Sociology; No. 5 Tehran
- Azkia, M, (2005) An Introduction to Rural Development Sociology; Atala'at, fourth ed., Tehran
- Bastille, j. and B. Dezert. (1980): L'espace Urbain; Ed, Masson, Paris.
- Behforoz, F, (1995), Prevailing Themes in Human Geography; Tehran University Publisher, first ed., Tehran
- Bertuglia, C. S; and Wilson, A. G (1994): Modelling the city; Routledge: London.
- Curran, Sara R. And Estela Rivero-Fuentes (2003): Engendering Migrant Networks: The case of Mexican Migration and Demography, 40 (2)
- D.H.V. Consultants, (1992) The Strategies for Planning the Rural Centers, Translated by Javad Mir, Research Center for the Rural Problems, Jahad Sazandagi, Vol. 1, Tehran
- Faried, Y, (2000) and Principals of Human Geography, Islamic Azad University, first ed., Ahar
- Faried, Y, (2003) Geography and Urban logy; University of Tabriz, fourth Ed, Tabriz
- Ghadarmarzi, H, (2009) The Structural and Functional Changes of Sanandaj Surrounding Villages in the Process of City Spatial Extention 1978-2008; Saiedi Abbas; Ph.D Thesis in Rural Geography and Planning, Shahid Beheshti University, Geography Department, Tehran
- Ghasamiyan, S, (2005) The Poverty Reduction: Challenges and Outlooks, Social Welfare Journal No.18, University of Welfare and Rehabilitation, Tehran
- Ghasami Ardahali, A (2006) The Causes of Rural Residents Migration to the Cities In Iran: Analyzing the Postgraduate Thesis, Village and Development, Year 9, No.1, Tehran
- Hagget, P, (2001): Geography; A Global Synthesis, Prentice Hall: England.
- Halirious, G, (1991) Regional Planning; Translate by Gholam Reza Shirazyan and Others, Budget and Planning, first ed. Tehran
- Hossein Zadeh Dali, K, (2001) Regional Planning; SA, amt Publisher, Tehran
- Kazamipour, Sh and Ali Ghasami Ardahali (2007) The Residency Experience and the Tendency to Migrate to Tehran; Iran's Demography Institute, 2nd year, No.3, Tehran
- Lahasaie Zadeh, A, (1989) Migration Theories, Navid, first ed. Shiraz
- Massey, D. s (1990): Social Structure, Household Strategies, the cumulative causation For migration, population Index, 56 (1)
- Mojtahed Zadeh, A, (1998) A Geographical Analysis of Social Theories in Rur-Urban Interaction in Iran, Human Science and literature Journal, Zahadan
- Nazari A, (2001) The Role of Development Plans in Spatial Changes of Rural Settlement in Golestan Province: Gonbad kavous County, Saiedi Abbas Ph.D Thesis In Rural Geography and Planning, University of Shahid Beheshti , Geography Department, Tehran
- Obrai, S(1991)Migration, Urbanization and Development, Translated

by Farhang Arshad , Kar and Ta,amin Ajtamai Organization, First ed.,Tehran

▪ Papoli Yazdi, M.H and Mohamad Amir Abrahami, (2002) Theories of Rural Development, Sa, amt, first ed., Tehran

▪ Parhizgar, A, (1998), Gravity and Accessibility Models in Urban and Regional Planning, Modaras University Journal 2nd No.8, Tehran

▪ Pitiyah, G, (1990), Rural Residents Migration, Translated by Mohmad Moemani Kashi, The Organization of Publishing and Learning Islamic Revolution, first ed.,Tehran

▪ Ramazanian, M, (2001) Labour Ageing in Iran's Agricultural Section: The Causes and Impacts, Agricultural Economy and Development Journal, No.36 pp. 207-235

▪ Razvani, A.A, (2001) The Rural Urban Interaction with emphasis on Iran, Payame Nor, first ed., Tehran

▪ Rondinelli, D.A. & K.Ruddel (1978): Urbanization and Rural Development; Newyork, preger publisher

▪ Saiedi ,A and Sadigheh Hosseini Hasal, (2009) The Nature of Location and settling The New Villages, Shahidi, Bonyad Maskan's Center for Rural Development, Tehran

▪ Sajadi, J and Rostam Hamadi, (2002) Investigation of Spatial Interaction of Hadishahr with Peripheral Population Centers for Arrangement; Earth Science Journal No.8-9, Tehran

▪ Sarafi, M, (2002) Internal Migration and the Urban Management Problem with Emphasis on Iran, Urban Management Journal, No.10; Organization of Municipalities, Tehran

▪ Shafiaie Sabat, (2008)Physio- Spatial Changes of Peripheral Villages of Tehran Metropolis with Emphasis on Agricultural Land Use Changes; Saidi Abbas, Ph.D. Thesis in Rural Geography and Planning ; University of Shahid Beheshti, Geography Department,Tehran

▪ Shakoie, H, (2001) Urban Geography: A New Perspective (fifth edition) Sa, amt fifth eds., Tehran

▪ Shamsodini,A(2008) The Role of Norabad in the Development of Peripheral Villages: case Study Central District; Tavana Ziya,a MSc Thesis in Rural

Geography and Planning, niversity of Shahid Beheshti, Geography Department, Tehran

▪ Skeldon, P, (1997) Rural Migration to the Cities and its effect on the Rural Poverty Reduction; Translated by Hamid Reza Vojdani, the Journal of Population Nos 37 and 338, Tehran

▪ Taher Khani, M (2001) the Analysis of Effective Factors in Rur-Urban Migrations; Geographical Research, No.62, Mashad

▪ Talab, M and Mosa Anbari, (2005) The Rural Sociology with the Dimension of Changes and Development in Iran's Rural Community; University of Tehran, first Ed., Tehran

▪ The Census Bureau of Iran (1956, 1966, 1976, 1986, 1996, 2006) Population and Resident Counting for Mamasani County, Tehran

▪ The Census Bureau of Iran (1956-2006) Population and Residential Counting for Iranian Cities and Villages; Tehran

▪ The Ministry of Residential and Town Planning (1997) The Master Plan of Norabad In amasani, Archives, Tehran

▪ Timothy. J. (2000): Economic Geography New York, John Wiley and Sons.

▪ Todaro, M(1987) Economic Development in The Third World, Translate by Gholam Ali arjadi, Budget and Planning Organization, Vol.1, first ed., Tehran

▪ Todaro, M(1988) Internal Migation in the Developing Countries, Translated by Mostafa Sarmadi and Parvin Raiasi Fard, Kar and Ta, amin Ajtamai Association, First ed., Tehran

▪ Yosafi, M, (2006) The Role of Distance in Spatial Changes of Peripheral Rural Settlement of City of Saveh; Case Study, The District of Nor Ali Big, Sajadi Jila Msc Thesis in Rural Geography and Planning , University of Shahid Beheshti,Geography Department, Tehran

▪ Zanjani, H. (2001) Migration; SA, amt, first Ed, Tehran

▪ Ziyari, K (2004) Schools of thought, Theories and Models in Regional Planning; University of Yazd Publisher, first ed., Yazd